



نظریه فضا زمان به عنوان نقابی برای ● نظریه نور خسته

نظریه "فضا زمان" به عنوان عامل تغییر بنیادی برای کیهان‌شناسی پیشنهاد شده است، بدون هیچ اشاره‌ای به نظریه نور خسته. یک بررسی فلسفی.

چاپ شده در ۲۴ دسامبر ۲۰۲۴

CosmicPhilosophy.org
درک کیهان با فلسفه

فهرست مطالب

۱. نظریه فضا زمان 🕒

۱.۱. نقابی برای ● نظریه نور خسته

۲.۱. تفسیر داپلری ● انتقال به سرخ

۳.۱. ● نظریه نور خسته

نویسنده علمی Eric J. Lerner 🧑🔬

۴.۱. 😬 به خاطر زیر سؤال بردن نظریه مهبانگ ممنوع شد

۲. «گرویدن» آلبرت اینشتین

۱.۲. 1929: هیاهوی رسانه‌ای درباره گرویدن اینشتین

۲.۲. 1931: رد مداوم اینشتین

۳.۲. 1931: مقاله مرموز گمشده اینشتین

۴.۲. 1932: تغییر عقیده اینشتین به یک معتقد

۵.۲. چرا؟

۱.۵.۲. پیشرفت علمی

۲.۵.۲. استدلال «کار خدا بود»

۳. آغاز 🕒 زمان

۱.۳. برهان کلامی کیهان‌شناختی

۱.۱.۳. 🗨️ یک بحث

۴. نتیجه‌گیری

تلاش برای فرار کیهان‌شناسی بیگ بنگ



یک ماه پس از انتشار پرونده «نوترینوها وجود ندارند» در CosmicPhilosophy.org که آشکار می‌کند نوترینوها تلاشی جزئی برای فرار از «تقسیم‌پذیری بی‌نهایت ∞ » هستند، و انتشار خبری از طریق ایمیل به مجلات علمی و ناشران در سراسر جهان، که با رد و سکوت مواجه شد، علیرغم برخی پاسخ‌های مؤدبانه، تیرهای رسانه‌های علمی اعلام کردند که انرژی تاریک وجود ندارد.

(2024) انرژی تاریک «وجود ندارد»: به چالش کشیدن نظریه جهان در حال انبساط

Source: Phys.org | اخبار ماهانه انجمن نجوم سلطنتی: نامه‌ها، جلد ۵۳۷، شماره ۱، فوریه ۲۰۲۵، صفحات L55-L60

- مطالعه جدید نظریه انرژی تاریک را متلاشی می‌کند ~ یاهو نیوز
- راز انرژی تاریک سرانجام حل شد - دانشمندان نظریه‌ای رادیکال جدید ارائه می‌دهند ~ DailyMail
- پیشرفت شگفت‌انگیز در مورد انرژی تاریک مرموز با اعلام نظریه رادیکال جدید توسط دانشمندان ~ GBNews
- «پیامدهای عمیق»: دانشمندان دانشگاه کانتربری پیشرفتی در زمینه انرژی تاریک به دست آوردند ~ رادیو نیوزیلند

نظریه فضا زمان



در مقاله‌ای جدید که در نامه‌های ماهانه انجمن نجوم سلطنتی منتشر شده، پژوهشگران آنتونیا زایفرت، زکریا جی. لین، مارکو گالوپو، رایان ریدن-هارپر به رهبری پروفیسور دیوید ال. ویلتشایر نظریه جدیدی به نام «مدل فضا زمان» را پیشنهاد کرده‌اند که نشان می‌دهد ظاهر انبساط شتاب‌دار یک «توهم» است که توسط اثرات نامتقارن گرانش بر جریان زمان در مناطق مختلف جهان ایجاد می‌شود. تفاوت‌های اتساع زمان بین مناطق متراکم کهکشانی و خلأهای کیهانی تنک، تصور انبساط شتاب‌دار را ایجاد می‌کند، بدون نیاز به انرژی تاریک.

نظریه جدید «مدل فضا زمان» که در رسانه‌های جهانی به عنوان یک نظریه مستقل جدید معرفی شده است، در واقع ایده اصلی نظریه نور خسته را گرفته و آن را در چارچوب نسبیت عام جای داده است.

در اینجا دلایلی که نشان می‌دهد چرا نظریه جدید «مدل فضا زمان» باید به عنوان نقابی برای «نظریه نور خسته»، چالشگر اصلی اولیه بنیان کیهان‌شناسی بیگ بنگ از سال ۱۹۲۹، در نظر گرفته شود:

- هر دو نظریه مدل استاندارد کیهان‌شناسی Λ CDM و اتکای آن به انرژی تاریک برای توضیح انبساط شتاب‌دار مشاهده شده جهان را به چالش می‌کشند.
- نظریه نور خسته پیشنهاد می‌کند که ● انتقال به سرخ نور از کهکشان‌های دور به دلیل انبساط کیهانی نیست، بلکه به دلیل نوعی "برهم‌کنش" نامشخص با فضای میانی است.
- مدل فضا زمان این فرض اصلی نظریه نور خسته را - که انبساط مشاهده شده یک توهم است - می‌گیرد و آن را در اصول تثبیت‌شده نسبیت عام و اتساع زمان گرانشی پایه‌گذاری می‌کند.

4. با نشان دادن اینکه چگونه جریان نامتقارن زمان در ساختارهای کیهانی مختلف می‌تواند ظاهر انبساط شتاب‌دار را ایجاد کند، مدل فضا-زمان شکاف ایجاد شده توسط فقدان مکانیسم فیزیکی مشخص در نظریه نور خسته را پر می‌کند.

نظریه «فضا-زمان» به عنوان عامل تغییر بنیادی برای کیهان‌شناسی پیشنهاد شده است، بدون اشاره به نظریه نور خسته، که بسیار سؤال‌برانگیز است.

نظریه نور خسته از زمان پذیرش و حفاظت جزمی از کیهان‌شناسی بیگ بنگ، به طور گسترده‌ای توسط وضع موجود علم رد و فعالانه سرکوب شده است.

فصل‌های بعدی آشکار خواهند کرد که نظریه فضا-زمان ممکن است تلاشی از سوی علم برای فرار از سرکوب تفتیش عقیده‌ای علمی چندین دهه‌ای آنها از چالشگر اصلی اولیه نظریه بیگ بنگ، «نظریه نور خسته» باشد.

فصل ۱.۲.

تفسیر داپلری ● انتقال به سرخ

اثر داپلر مفهومی ساده است: وقتی قطاری به شما نزدیک می‌شود، صدای بوق قطار به نظر زیرتر می‌رسد. سپس، وقتی قطار از کنار شما عبور می‌کند و دور می‌شود، صدای بوق به نظر بم‌تر می‌رسد. این تغییر در زیر و بمی به دلیل اثر داپلر است و امروزه از این اثر برای توضیح اینکه چرا نور از کهکشان‌های دور به سمت طول موج‌های بلندتر یا «سرخ‌تر» منتقل شده به نظر می‌رسد، استفاده می‌شود.

ستاره‌شناس آمریکایی ادوین هابل از تفسیر داپلر ● انتقال به سرخ برای استنتاج انبساط جهان در سال ۱۹۲۹ استفاده کرد و در ارتباط با آن، نتیجه گرفت که جهان در یک نقطه از زمان باید در یک «تخم کیهانی» فشرده شده باشد، که با اسطوره‌های باستانی آفرینش در فرهنگ‌های مختلف از جمله سنت‌های چینی، هندی، پیش کلمبیایی و فرهنگ‌های آفریقایی، و همچنین کتاب پیدایش انجیل همخوانی دارد، که همگی (به وضوح به صورت تمثیلی) یک آغاز 🕒 زمان مشخص را توصیف می‌کنند — چه «آفرینش در شش روز» کتاب پیدایش باشد و چه «تخم کیهانی» متن باستانی هندی ریگ ودا.

نظریه مه‌بانگ در اصل «نظریه تخم کیهانی» نام داشت و توسط کشیش کاتولیک ژرژ لومتر برای «روزی بدون دیروز» مطابق با کتاب پیدایش انجیل پیشنهاد شد.

در کیهان‌شناسی مه‌بانگ امروزی علم، تخم کیهانی یک «اتم اولیه» نامیده می‌شود که نشان‌دهنده یک تکینگی ریاضی یا «بی‌نهایت» ∞ بالقوه است.

تفسیر داپلر از انتقال به سرخ، پایه و اساس کیهان‌شناسی مه‌بانگ است.

فصل ۱.۳.

نظریه نور خسته

ستاره‌شناس سوئیسی-آمریکایی فریتز زویکی در سال ۱۹۲۹ «نظریه نور خسته» را به عنوان نظریه‌ای جایگزین برای توضیح انتقال به سرخ مشاهده شده در راستای ایده جهان ∞ بی‌نهایت پیشنهاد کرد.

فرض اساسی نظریه نور خسته این است که انتقال به سرخ توسط فرآیندی فیزیکی ایجاد می‌شود که باعث می‌شود نور در حین عبور از فضا انرژی از دست بدهد. این فرآیند اغلب به عنوان «خستگی فوتون» یا «پیری فوتون» شناخته می‌شود، که در آن فوتون‌ها اساساً در حین سفر در کیهان «خسته» می‌شوند.

(2018) نور خسته مهبانگ را رد می‌کند

Source: دانشمندان مینگ-هوئی شائو، نا وانگ و ژی-فو گائو

(2014) نور خسته نظریه مهبانگ را رد می‌کند

Source: tiredlight.net

(2022) نظریه جدید نور خسته، انتقال به سرخ و تابش زمینه کیهانی را در یک جهان بی‌نهایت توضیح می‌دهد

Source: tiredlight.org

نظریه نور خسته با سرکوب تفتیش علمی (ایدئولوژی محور) مواجه شد.

دانشگاهیان از انجام برخی تحقیقات، از جمله انتقاد از نظریه مهبانگ منع شده‌اند. نویسنده علمی شناخته شده اریک جی. لرنر در سال ۲۰۲۲ چنین نوشت:

«انتشار مقالات انتقادی درباره مهبانگ در مجلات نجومی تقریباً غیرممکن شده است.»



(2022) مهبانگ اتفاق نیفتاد

Source: موسسه هنر و ایده‌ها

فصل ۱.۴

برای زیر سؤال بردن «نظریه مهبانگ»

ممنوع شد

نویسنده CosmicPhilosophy.org از حدود سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ منتقد اولیه نظریه مهبانگ بوده است، زمانی که تحقیقات فلسفی او به نمایندگی از Zielenknijper.com نشان داد که نظریه مهبانگ می‌تواند به عنوان پایه نهایی «جنیش لغو اراده آزاد» که او در حال بررسی آن بود، در نظر گرفته شود.



به عنوان منتقد نظریه مهبانگ، نویسنده شخصاً سرکوب تفتیش علمی انتقاد از مهبانگ را تجربه کرده است.

در ژوئن ۲۰۲۱، نویسنده به دلیل زیر سؤال بردن نظریه مهبانگ در Space.com ممنوع شد. پست درباره مقالات «به طور مرموزی گم شده» آلبرت اینشتین بود که روایت رسمی را به چالش می‌کشید.

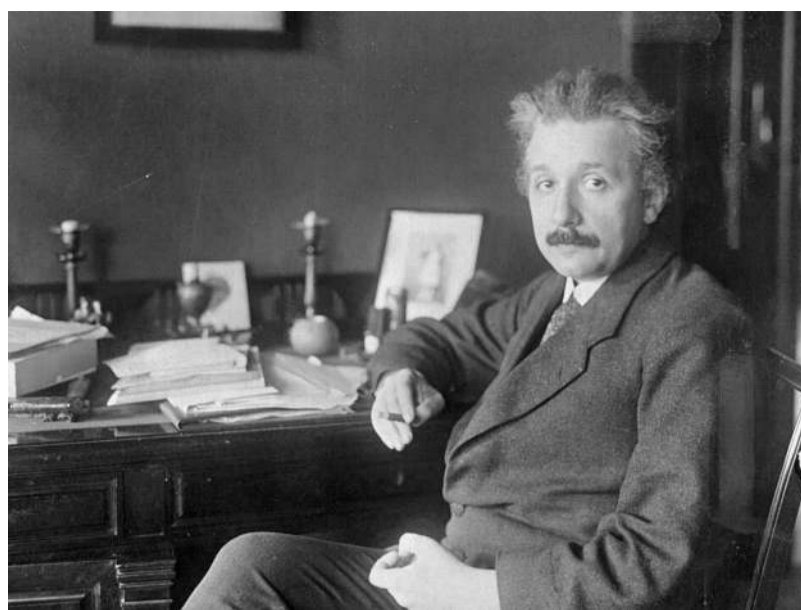
مقالات به طور مرموزی گم شده آلبرت اینشتین که او به آکادمی علوم پروس در برلین ارائه کرده بود، در سال ۲۰۱۳ در اورشلیم پیدا شد...

(2024) وادار کردن اینشتین به گفتن «من اشتباه کردم»

Source: فصل ۲

این پست که درباره درک رو به رشد برخی دانشمندان مبنی بر اینکه نظریه مهبانگ وضعیتی شبه مذهبی پیدا کرده بود بحث می‌کرد، چندین پاسخ عمیق دریافت کرده بود. با این حال، به جای اینکه صرفاً بسته شود، که روال معمول در Space.com است، به طور ناگهانی حذف شد. این اقدام غیرمعمول سؤالاتی را درباره انگیزه‌های پشت حذف آن مطرح کرد.

بیانیه خود مدیر، «این موضوع به پایان رسیده است. از کسانی که مشارکت کردند متشکرم. اکنون بسته می‌شود»، به طور متناقضی بستن را اعلام کرد در حالی که در واقع کل موضوع را حذف می‌کرد. وقتی نویسنده بعداً مخالفت مؤدبانه خود را با این حذف ابراز کرد، واکنش حتی شدیدتر بود - کل حساب Space.com او ممنوع و تمام پست‌های قبلی پاک شد، که نشان‌دهنده عدم تحمل نگران‌کننده‌ای برای بحث علمی در این پلتفرم است.



فصل ۲.

آلبرت اینشتین

بررسی تاریخی گرویدن او به یک «معتقد»

روایت رسمی و یکی از استدلال‌های اصلی برای **چرایی** اینکه آلبرت اینشتین نظریه خود برای جهان ∞ بی‌نهایت را رها کرد و به یک «معتقد» به نظریه مهبانگ تبدیل شد این است که ادوین هابل در سال ۱۹۲۹ از طریق تفسیر داپلر انتقال به سرخ نشان داد که جهان در حال انبساط است (فصل ۱.۲)، که اینشتین را مجبور کرد تشخیص دهد که اشتباه می‌کرده است.

اینشتین گفت: «این زیباترین و رضایت‌بخش‌ترین توضیح آفرینش است که تاکنون شنیده‌ام.» و نظریه خود برای جهان ∞ بی‌نهایت را بزرگترین اشتباه دوران حرفه‌ای خود خواند.

(2014) نظریه گمشده اینشتین جهانی بدون مهبانگ را توصیف می‌کند

Source: مجله دیسکاور

بررسی تاریخ نشان می‌دهد که روایت رسمی نامعتبر است و مستقیماً از هیاهوی رسانه‌ای درباره «گرویدن» ادعایی آلبرت اینشتین نشأت گرفته که نشانه‌هایی وجود دارد که اینشتین از آن قدردانی نکرده است، همانطور که از غلط‌آملائی معمول او در نام ادوین هابل در مقاله‌ای دو سال پس از کشف هابل مشخص است - جزئیاتی که با دقت معروف اینشتین در کار ناسازگار است.

مقاله اینشتین با عنوان «Zum kosmologischen Problem» («درباره مسئله کیهان‌شناختی») به طور مرموزی ناپدید شد و بعداً در اورشلیم، مکانی زیارتی، پیدا شد، در حالی که اینشتین ناگهان به یک «معتقد» تبدیل شد و با یک کشیش در سفری در سراسر ایالات متحده برای ترویج نظریه مهبانگ همراه شد.

مروری کوتاه بر رویدادهایی که منجر به گرویدن اینشتین به نظریه مهبانگ شد:

فصل ۲.۱.

1929: هیاهوی رسانه‌ای درباره گرویدن اینشتین

از سال ۱۹۲۹ هیاهوی رسانه‌ای عمده‌ای درباره آلبرت اینشتین وجود داشت که ادعا می‌کرد اینشتین به دلیل کشف ادوین هابل به یک «معتقد» تبدیل شده است.

«تیرهای سراسر کشور [ایالات متحده] روشن شد و ادعا کردند که آلبرت اینشتین به یک معتقد به جهان در حال انبساط تبدیل شده است.»

پوشش رسانه‌ای در آن زمان در سال ۱۹۲۹، به ویژه در روزنامه‌های عامه‌پسند، از تیرهایی مانند «اینشتین توسط کشف هابل متحول شد» یا «اینشتین پذیرفت که جهان در حال انبساط است» استفاده می‌کرد.

روزنامه محلی زادگاه هابل، اسپرینگفیلد دیلی نیوز تیر زد «جوانی که کوه‌های اوزارک را [هابل] برای مطالعه ستارگان ترک کرد باعث تغییر نظر اینشتین شد.»

فصل ۲.۲.

1931: رد مداوم اینشتین

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که اینشتین در سال‌های پس از هیاهوی رسانه‌ای درباره «تغییر عقیده/ش» فعالانه نظریه جهان در حال انبساط را رد می‌کرد.

دو سال پس از کشف هابل - [اینشتین] نقص عمده‌ای در نظریه جهان در حال انبساط را برجسته کرد... این نکته اصلی مورد اعتراض اینشتین بود. ... هر بار که فیزیکدانی با اینشتین درباره آن صحبت می‌کرد، او نظریه را رد می‌کرد.

فصل ۲.۳.

1931: مقاله مرموز گمشده اینشتین

در سال ۱۹۳۱ آلبرت اینشتین مقاله‌ای با عنوان «Zum kosmologischen Problem» («درباره مسئله کیهان‌شناختی») را به آکادمی علوم پروس در برلین ارائه کرد تا نظریه‌اش درباره جهان ∞ بی‌نهایت را با معرفی یک مدل کیهان‌شناختی جدید که امکان جهان غیر منبسط شونده را فراهم می‌کرد، توسعه دهد که مستقیماً با ادعاهای هیاهوی رسانه‌ای درباره «تغییر عقیده/ش» از سال ۱۹۲۹ در تضاد بود.

در این مقاله که به طور مرموزی مفقود شد و در سال ۲۰۱۳ در اورشلیم پیدا شد، اینشتین به طور عادی نام ادوین هابل را غلط می‌نوشت، که با توجه به اینکه اینشتین به دقت در کارش مشهور بود، باید عمداً این کار را کرده باشد.

فصل ۲.۴.

1932: تغییر عقیده اینشتین به یک معتقد

کمی پس از مفقود شدن مقاله‌اش، اینشتین به یک معتقد به نظریه بیگ بنگ تبدیل شد و با یک کشیش کاتولیک در سفری در سراسر ایالات متحده برای «ترویج» این نظریه همراه شد، که نشان می‌دهد ممکن است نفوذ کلیسایی در کار بوده باشد.

پس از سخنرانی کشیش ژرژ لومتر در سمیناری در کالیفرنیا در ژانویه ۱۹۳۳، اینشتین کار چشمگیری انجام داد - او ایستاد، دست زد و جمله‌ای را بیان کرد که مشهور شده است: «این زیباترین و رضایت‌بخش‌ترین توضیح



خلقت است که تاکنون شنیده/م.» و نظریه خود برای جهان ∞ بی‌نهایت را بزرگترین اشتباه دوران حرفه‌ای خود خواند.

تغییر از رد شدید نظریه بیگ بنگ برای سال‌های متوالی، در طول هیاهوی رسانه‌ای درباره «تغییر عقیده» ادعایی‌اش، به ترویج فعال با همراهی یک کشیش در سفری سراسری در ایالات متحده، عمیق است.

تغییر عقیده اینشتین در ترویج نظریه بیگ بنگ محوری بود.

فصل ۲۰۵.

چرا؟

چرا آلبرت اینشتین نظریه‌اش برای جهان ∞ بی‌نهایت را «بزرگترین اشتباه» خود خواند و به یک مروج نظریه بیگ بنگ و «آغاز زمان» مرتبط با آن تبدیل شد؟

بررسی تاریخ تغییر عقیده آلبرت اینشتین ممکن است کلیدی برای بینش‌های فلسفی عمیق باشد، زیرا اینشتین یک فعال برای صلح جهانی بود و دست‌نوشته او «نظریه صلح جهانی» پیش از تأسیس سازمان ملل متحد بود، که در مقاله ما درباره نظریه صلح در [GMODebate.org](https://www.gmodebate.org) بررسی شده است.

اگر اینشتین آگاهانه تصمیم گرفت از حقیقت علمی منحرف شود، انگیزه او چه می‌توانست باشد؟

علی‌رغم برخی گزینه‌های آشکار، این سؤال ممکن است عمق فلسفی بسیار بیشتری از آنچه انتظار می‌رود داشته باشد زیرا علم ممکن است نتواند بهتر از پذیرش جزم به عنوان پایه‌ای اساسی برای انگیزه عمل کند.

فیلسوف علم استفن سی. مایر در کتاب خود راز منشأ حیات نوشت که انگیزه اصلی در کار، که ممکن است آگاهانه انحراف جزمی و حتی مذهبی را ترجیح دهد، خود پیشرفت علمی است.

ضرب‌المثل:

«مشکل اصلی انگیزه است.»

اولویتی که از دیدگاه شخصی به تصمیم اینشتین منجر شد، علی‌رغم نشانه‌های نفوذ کلیسایی، ممکن است جلوگیری از تنبلی فکری ذاتی در پتانسیل «استدلال کار خدا بود» بوده باشد.

به طور متناقض، با پذیرش مذهبی «آغاز زمان»، اینشتین می‌توانست به منافع اصلی علم برای دستیابی به پیشرفت علمی خدمت کند.

آغاز زمان

موردی برای فلسفه

مطالعه بیشتر در مقاله‌ای در سال ۲۰۲۴ در AEON درباره فلسفه پشت ایده «آغاز زمان» در دسترس است، که آشکار می‌کند این مورد متعلق به فلسفه است.

(2024) دانشمندان دیگر مطمئن نیستند که جهان با بیگ بنگ آغاز شده است

Source: [AEON.co](#)

در حالی که علم از کیهان‌شناسی بیگ بنگ و «آغاز زمان» مرتبط با آن دفاع می‌کرده، فلسفه دانشگاهی عکس آن را انجام داده و «برهان کلامی کیهان‌شناختی» مذهبی را که مطرح می‌کند زمان آغازی دارد، به چالش کشیده است.

در بحث انجمنی درباره مقاله‌ای با عنوان **بی‌پایان و بی‌نهایت** توسط استادان فلسفه الکس مالپاس و وس موربستون، یک معلم فلسفه از نیویورک چنین استدلال کرد:

فصل ۳.۱.۱.

بحثی درباره برهان کلامی کیهان‌شناختی

بی‌پایان و بی‌نهایت

تراپین استیشن:

... اگر مقدار بی‌نهایتی از زمان قبل از T_n وجود داشته باشد، نمی‌توانیم به T_n برسیم زیرا نمی‌توان بی‌نهایت زمان قبل از T_n را کامل کرد. چرا نه؟ زیرا بی‌نهایت کمیت یا مقداری نیست که بتوانیم هرگز به آن برسیم یا آن را کامل کنیم.



... برای رسیدن به هر وضعیت خاص T ، اگر بی‌نهایت وضعیت تغییر قبلی وجود داشته باشد، رسیدن به T امکان‌پذیر نیست، زیرا بی‌نهایت نمی‌تواند برای رسیدن به T تکمیل شود.

من:

شما از برهان کیهان‌شناختی کلام دفاع می‌کنید.

تراپین استیشن:

من خداناباور هستم.

من:

اگر استدلال کنید که شما پاپ هستید، در بررسی اعتبار استدلال شما تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

اگر یک کلام‌گرا دقیقاً همین استدلال شما را مطرح کند، آیا متفاوت خواهد بود؟

مقاله «بی‌پایان و ∞ بی‌نهایت» در فصلنامه فلسفی منتشر شد. ادامه این مقاله با عنوان «تمام زمان جهان» در مجله ذهن آکسفورد به چاپ رسید.

(2020) بی‌پایان و ∞ بی‌نهایت

Source: وبلاگ پروفیسور مالپس | فصلنامه فلسفی | ادامه در مجله ذهن آکسفورد

نتیجه‌گیری

نظریه «منظر زمانی» به عنوان یک عامل تغییر بنیادی برای کیهان‌شناسی، بدون اشاره به نظریه نور خسته ● پیشنهاد شده است. با توجه به تاریخچه پیدایش نظریه مهبانگ که نظریه منظر زمانی قصد به چالش کشیدن آن را دارد، این باید مورد پرسش قرار گیرد.



فلسفه کیهانی

نظرات و بینش‌های خود را در info@cosphi.org با ما به اشتراک بگذارید.

چاپ شده در ۲۴ دسامبر ۲۰۲۴

CosmicPhilosophy.org
درک کیهان با فلسفه

©.Philosophical.Ventures Inc 2024